

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین - ۲۲ می ۲۰۱۵

تذکر:

چیزی را در آرشیفهای قدیم مییابیدم، که به منظومه "حیف حیف" برخوردم. از نظر گذشتاندمش و معلوم گشت، که این منظومه در جواب منظومه استاد سخن، ملک الشعراء و فخرالشعراء "اسیر" صاحب، تحت همین عنوان و به جواب منظومه همکار گرامی قدیمی و اینک بی وفای ما، جناب نعمت جان مختارزاده، زیر عنوان "خامه جنگی" سروده شده بود. حیف دانستم، آن قصیده نقد و تیار را که به تاریخ ۲۶ اگست ۲۰۰۹ سروده شده و مصلحتاً از نشرش منصرف گشته بودم، حالا از نظر خوانندگان ارجمند پورتال نگرانم. جهت درک موضوع، هم منظومه استاد و هم قصیده نعمت جان را نیز در صفحه امروز - ۲۲ می ۲۰۱۵ - تقدیم میکنم.

حیف حیف

به تاریخ ۲۱ اگست ۲۰۰۹ منظومه "حیف حیف" جناب فخر الشعراء، استاد محمد نسیم "اسیر" و به تاریخ ۲۶ اگست منظومه "خامه جنگی" شاعر با نام و نشان و همکار ارجمند دیگر پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، جناب نعمت الله "مختارزاده"، صفحات پورتال را زینت بخشیدند. آنچه در ذیل تقدیم میگردد، جوابک منظوم این قلم است، به منظومه های خیراندیشانه آن دو همکار گرانقدر و گرانمایه پورتال :

دوش وقت صبحدم پیکی رسید از کوی یار	پیکی منظومکی موزون، به عنوان "حیف حیف"
"حیف حیف" اول از آن شاعر والا، "اسیر"	"خامه جنگی" واندگر با نام، و جولان "حیف حیف"
آفرین بر طینت یاران نیک اندیش ما	کز سر صدق و صفا داده "فراخوان" حیف حیف
گر نظر بر ماورای "خیر اندیشی" رود	میسزد تا خوب دریابیم یاران حیف حیف
میسزد تا خدمت یاران جانی و عزیز	عرض حالی گردد و گردد نمایان حیف حیف
"خامه جنگی" نیست، این جنگ دو "خط" است ای عزیز	گر نگردهد فرق هردو، شد هزاران حیف حیف

یک طرف "آزادگی"، آن سوی دیگر "انقیاد"
 آن چنان سائیتی که تبلیغ "اسارت" میکند
 سخت نازیباست اگر خوانند هردو را "زرین"
 کی بود زبینه گر هردو "رزین" خوانی، عزیز!!
 بر کسی کی کرده "تحمیل اراده" سیت ما؟
 من نمیگویم چنین میکن عزیزم یا چنان
 من نگویم زین طرف بردار گام و زان طرف
 معتقد هستیم ما بر اصل استقلال رأی
 اصل "آزادی" بود منقور در "منشور" ما
 کار "همکاری" بنا بر اصل "آزادی" بود
 درد دل کُردم "خلیلا" با خلیلان عزیز
 طبع پُردردم کمی گله گذاری کرده است
 گر سِماطِ "درد دل" اندک بگسترده چه عیب؟
 گر ز قلب چاک چاک و ریش ریشم اندکی

می نداند کس اگر، توفیر ایشان حیف حیف
 درخور تمجید کی باشد عزیزان حیف حیف
 پرکاهی را نگر وان "کهکشنان" حیف حیف
 این اگر باشد "رزین"، کی میسزد آن حیف حیف
 آنچه بوده در میان از عهد و پیمان حیف حیف
 گر تو بهر من نویسی "خط طیران" حیف حیف
 کی کنم "تخویف" و "تشجیع" عزیزان حیف حیف
 کس نشاید کُرد بر ما شرطِ اِمعان حیف حیف
 زیر پا گردد اگر این اصل تابان حیف حیف
 سلب "آزادی" بود چون "خط بطلان" حیف حیف
 در نمیابند اگر آن کُنه جریان حیف حیف
 گر نشد مقبول درگاهِ بزرگان حیف حیف
 لطف یاران گر نباشد شرط امکان حیف حیف
 بر ندارم پرده ای از خوفِ عصیان حیف حیف

هرچه هست از قسمت ناشاد درداندود ماست

گر نشد تشریفِ باران بر گلستان حیف حیف

(برلین - ۲۶ آگست ۲۰۰۹)